

بررسی و تحلیل جایگاه غلامان در ساختار نظامی و انتظامی دولت صفویه

علیرضا مسلمی^۱، محمدکریم یوسف جمالی^۲، شکوه السادات اعرابی هاشمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

از صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۶

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی
سال ششم، شماره بیست و دوم، پاییز ۱۳۹۸

چکیده

شاهان صفوی همواره می‌کوشیدند غلامان را از میان غیرایرانیان انتخاب کنند تا پایگاه قومی نداشته باشند و تنها به شخص شاه متکی باشند؛ علیرغم ایرانی نبودن، بسیاری از آنها قدرت و نفوذ سیاسی زیادی کسب می‌کردند. اعتماد کامل شاه به غلامان و فراهم کردن بستر رشد و ترقی سیاسی آنها توسط شاه صفوی، در بسیاری از موارد مخصوصاً در دوران شاه عباس اول باعث ایجاد امنیت هر چه بیشتر دولت صفویه گردید و امنیت ایجاد شده باعث گردید در مسائلی مانند رشد معماری، تجارت، حتی مبارزه با بیگانگان این دولت کارآمد گردد. هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل جایگاه غلام در ساختار نظامی و انتظامی حکومت صفوی است و اینکه غلامان علاوه بر نقش پررنگ در امور نظامی چگونه باعث پیشرفت تجارت معماری و هنر عصر صفوی گردیدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که غلامان علاوه بر اینکه در امور نظامی و انتظامی دولت صفویه نقش کلیدی ایفا نمودند، با ایجاد امنیتی که توسط آنها بوجود آمد تجارت، معماری و هنر نیز در این دولت پیشرفت زیادی نمود و خود آنها نیز مشوق اینگونه اقدامات گردیدند حتی خانواده‌های آنها نیز در کار تامین نظم داخلی به خاندان سلطنت کمک می‌کردند. دراصل دوام و بقای حکومت صفوی تا حد زیادی منوط به اقدامات و مناصب غلامان در امور نظامی، انتظامی و تامین امنیت در دولت صفویه بوده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است.

کلید واژه‌ها

صفویه، غلامان، امور نظامی، انتظامی، امنیت، تجارت، معماری، هنر.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

۲- استاد گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، (نویسنده مسئول) karimjamali.2000@gmail.com

۳- استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

الف - مقدمه

دوره صفویه یکی از دوره‌هایی است که بر حیات معنوی و ارزشهای فرهنگی ایران تأثیرات زیادی به جای گذاشته است. طریقتی که توسط شیخ صفی الدین اردبیلی پایه ریزی شد پشتوانه‌ای برای شاه اسماعیل اول گردید. این حکومت بر پایه وحدت مذهبی بنیان گذاری گردید و اولین حکومت مستقل به تمام معنا در تاریخ ایران بعد از ظهور اسلام است که حدود دو قرن تداوم یافت. در واقع مهمترین عامل در شکل‌گیری دولت‌های بزرگ در تاریخ ایران وجود یک نیروی نظامی بود که می‌توانست در سرکوبی شورش‌ها و از بین بردن مدعیان قدرت نقش موثری ایفا نماید. غلامان در عصر صفویه با پیوستن به خیل حامیان مملکت موجب تقویت جایگاه نظامی سیاسی صفویان گردیدند. در واقع تغییری که شاه عباس در وضعیت نهاد نظامی صفویه ایجاد نمود و آن را از حالت قبیله‌ای خارج نمود باعث گردید که غلامان در امور نظامی و سیاسی عصر صفویه نقش موثری داشته باشند. گرچه در طول تاریخ ایران، از عهد باستان تا اوایل قرن چهاردهم ه.ق. بردگان (غلامان، کنیزان و خواجهگان) به عنوان بخشی از جامعه ایران محسوب شده و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی به کار گرفته می‌شدند اما از پایان قرن اول ه.ق. به بعد، با گسترش فتوحات مسلمانان در مناطقی چون ماوراءالنهر، قفقاز و ماورای آن، تعدادی از ساکنان این مناطق، به ویژه ترکان به اسارت مسلمانان درآمده و به عنوان برده به سرزمینهای اسلامی از جمله ایران وارد شدند. بردگان ترک به واسطه شجاعت و تهورشان، عمدتاً در امور نظامی به کار گرفته می‌شدند. ورود برده از مناطق شمالی، تا اوایل قرن هفتم ه.ق. (همزمان با هجوم مغولان به ایران) پیوسته ادامه داشت. در طول حکومت ایلخانان مغول و سپس تیموریان و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو، این جریان دچار وقفه شد و از ورود بردگان ترک دیگر خبری نبود، چرا که سنت نظامی گری این سلسله‌ها کاملاً با حکومت‌های ایرانی متفاوت بود. این روند تا تشکیل حکومت صفویان در اوایل قرن دهم ه.ق. ادامه پیدا کرد. در قرن دهم و یازدهم ه.ق. طی لشگرکشی‌های شاهان صفوی به قفقاز و ماورای آن، تعداد زیادی از ساکنان این مناطق به اسارت درآمده و به ایران وارد شدند. بدین ترتیب مجدداً موج جدیدی از ورود برده به ایران (این بار از شمال غربی) آغاز شد که تا اواخر عصر صفوی همچنان ادامه یافت (زرگری‌نژاد، علی پور، ۱۳۸۸: ۲۰). سلاطین صفوی

نیز به پیروی از خلفای عباسی و حکومت‌های تابع آنان و به بهانه جهاد با کفار مسیحی، حملات گسترده‌ای به نواحی ماوراء قفقاز انجام دادند که پیامد آن ورود غلامان و کنیزان ارمنی، گرجی و چرکس به دربار و جامعه عصر صفوی بود (سیوری، ۱۳۷۶: ۶۴). غلامانی که در این دوره به شکل‌های مختلفی مانند اسارت در جنگ‌ها، هدیه و... وارد نظام سیاسی صفویه گردیده و عضو مهمی از دولت شدند به طوری که بدون توجه به نقش آن‌ها در اداره کشور بررسی این عصر مهم با مشکل مواجه خواهد شد. سوال اصلی در این پژوهش این است که غلامان در ساختار نظامی و امنیتی عصر صفوی چه نقشی ایفا نمودند؟ با توجه به این فرضیه که حکومت صفوی غلامان و خواجه سرایان را در بدنه دولت هضم نمود، آنها علاوه بر این که در ایجاد نظم و امنیت کوشا بودند، بلکه در کنار امنیت ایجاد شده کوشش خود را برای رشد تجارت، هنر و... به کار بستند، که از این بابت پیشرفت دولت صفوی در این مقوله‌ها تا حد زیادی مدیون تلاش غلامان در موضوع مربوط به ایجاد امنیت و مسائل انتظامی است. گرچه منابع بسیار قوی این دوران و تحقیقات ارزشمندی که صورت گرفته مانند «زندگانی شاه عباس اول تالیف نصرالله فلسفی، غلامان خاصه نوشته سوسن بابایی و دیگران، ایران عصر صفوی نوشته راجر سیوری» و مقالاتی مانند «چرکس‌ها و ورود آن‌ها به دولت صفویه نوشته علی اکبر کجیاف و سازمان سپاه و صاحب منصبان نظامی عصر شاه صفی از جهانبخش ثواقب» در مسائل مختلف به نقش این گروه در حکومت صفویه اشاره کرده اند اما موضوع باز هم جای تحقیق بیشتری دارد و با اینکه نمی‌توان ادعا نمود که پژوهش حاضر به طور کامل و جامع تأثیرات این گروه را در امور نظامی و انتظامی دولت صفویه پوشش می‌دهد اما می‌کوشد تا اندازه‌ای راه‌گشای علاقه‌مندان به مطالعه تاریخ عصر صفوی گردد.

غلامان و ورود به دولت صفویه

در مورد سرزمین تاریخی گرجستان به علت کمبود منابع، تعیین حدود مرزهای آن بسیار دشوار است. در این سرزمین هیچ زمانی دولت واحدی وجود نداشته است و قبیله‌هایی با ساختار پیچیده، این سرزمین را اداره می‌کردند. بطور تقریبی این سرزمین شامل سرزمین‌های بین دریای سیاه در غرب و رود سونزا در شرق و بین کوه‌های قفقاز در جنوب و استپ‌های کوبان و دشت‌های پیتیگورسک در شمال بود. این منطقه

۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع و در حدود یک چهارم منطقه قفقاز را شامل می‌شد (زرگری نژاد، ۱۳۸۷: ۷۰). در جنگ‌های مکرری که از زمان شاه اسماعیل اول با گرجیان، چرکسان و ارمنیان به عمل آمد و شاه طهماسب اول نیز آن را دنبال کرد تعداد زیادی از پسران خردسال آن ناحیه‌ها از مرزهای گرجستان به عنوان اسیری به ایران آورده شدند. اسماعیل اول حتی زمانی که هنوز بر تخت پادشاهی ننشسته بود در سال ۹۰۵ هجری به فکر حمله به مرزهای گرجستان افتاد و چون پیروانش تعداد کمی بودند مشاورانش گفتند بهتر است کسانی را به عراق و آذربایجان بفرستد تا هواخواهان صفویه را به جهاد با گرجی‌ها فرا خوانند، بنابراین اسماعیل میرزا پذیرفت و به سوی مرزهای قراباغ حرکت نمود (خواندمیر، ۱۳۵۳: ج ۴/۴۴۹). این حملات در سال ۹۰۶ هجری نیز از سر گرفته شد. منبعی به نام فتوحات شاهی در مورد حمله شاه اسماعیل به گرجستان و ایجاد امنیت در مرزهای ایران گزارش می‌دهد «میر مشارالیه به طریق ایلغار به عزم شبیخون به اسعاد و دولت روز افزون به جانب گرجیان کفر آثار توجه نمود و با خود مردان کار و صفدران شیر شکار که همه غبار معرکه جنگ در دیده کشیده و خود را به دستگیری مردی هم پنجه شیر و پلنگ دیده بودند هم رکاب گردانیده روی عزیمت به راه شتاب آورد... زبان خنجر در عرض اسلام با آن قوم گفتگو می‌کرد و چون فرقه ضلال قبول آن اقوال نمی‌کردند تیغ به میان آمده ایشان را از پای درآورد... جمعی که از مرگ جسته بودند دل شکسته و جان خسته فرار نمودند رای خلیفه الخلفا به رفتن در عقب ایشان رخصت نداد و هیچ کس از عقب نفرستاد. دست به نهب جهات و اموال و اسر اهل و عیال ایشان دراز شد آن مقدار نقره و طلا آلات که جمع آن‌ها را عقل از محالات می‌شمرد غنیمت روزگار غازیان نامدار شد و آن نوع کنیزان گل‌چهر و غلامان به صورت رشک مشتری و غیرت مهر که خرد فکر آن‌ها از وهم عشق بازی از دل می‌سترد فتوح این دولت پایدار گشت.» (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۱۲-۱۱۰). گرچه نباید این نکته را نادیده گرفت که این حملات از زمان شیخ جنید و شیخ حیدر از مرزهای ایران علیه گرجیان و چرکس‌ها صورت گرفته بود و شاه اسماعیل و شاه طهماسب نیز به پیروی از آنان چنین اقداماتی را انجام دادند. چنانکه در عالم آرای امینی نیز در مورد حمله شیخ جنید به سرزمین چرکسان آمده است که او هدف خود را از حمله به مرزهای این سرزمین مشخص می‌نمود ولی در ظاهر، تظاهر می‌کرد که علیه آن‌ها به جهاد می‌رود

(روزبهان خنجی، ۱۳۷۹: ۶۴). عالم آرای شاه طهماسب در مورد حمله صفویان به تفلیس این گونه ذکر می‌کند که «...شاه فرمود کلیسای ایشان را که آن را آلودی گویند خراب کنند هر چند تیشه و بیل و کلنگ شکسته، مقدار یک خشت خراب نشد شاه فرمود تا اسیر بسیار کردند و هرکس سپاهی گرجی (بود) به قتل رسانیدند» (عالم آرای شاه طهماسب، ۱۳۷۰: ۱۳۳). در گزارش دیگری نیز آمده که حکام گرجستان پس از شنیدن پیروزی‌های صفویان هدایای فراوانی برای پادشاه ایران فرستادند. «ایل چیان قاعده دان با پیشکش های فراوان از نفایس اجناس بی پایان و نقود ابیض و احمر و عقود جواهر بی حد و مرّ مصحوب دختران خویش که هر یک ناهید برج عفت و کامکاری و خورشید اوج عظمت و نامداری بودند با غلامان سرو قد گل‌گذار و کنیزان سیمین بر سمن رخسار به درگاه جهان پناه ارسال داشتند» (افواشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

احسن التواریخ نیز در مورد لشگر کشی اول شاه طهماسب به مرزهای گرجستان اینگونه گزارش می‌دهد. «در این سال (۹۴۷ هـ) شاه دین پناه از برای نصرت اسلام و تقویت دین رسول الله علیه السلام به قصد قلع و قمع گرجیان بی امان شکارکنان و روانه گشت و امرا و ارکان دولت و سرداران مملکت با سپاهیان هر دیار به اردوی ظفرشمار ملحق گشتند. بعد از آن خسرو کامران با فوجی از بهادران به جانب گرجستان ایلغار نمود شبی که از غلبگی سواد (هوا) به هم برآمده بود طوفان بلا بالا گرفت. آتش نهب و تاراج در شهر زدند و اطفال و عیال ایشان را اسیر کردند» (روملو، ۱۳۵۷: ۳۸۴-۳۸۳). عامل دیگری که باعث ورود غلامان و کنیزان گرجی به ایران و دربار صفوی شد فرهنگ و سنن و قانون‌های ظالمانه زندگی اجتماعی مردم آن دیار بود. رؤسای مذهبی که بر اهالی استیلا پیدا کرده بودند می‌توانستند هر قدر که میل داشته باشند از آن‌ها به ترک‌ها و ایرانی‌ها بفروشدند. کشیشان هر وقت می‌خواستند عقد و نکاح را ابطال کرده فوراً زن را با مرد دیگر یا مرد را با زن دیگر ترویج می‌کردند و هریک از طرفین را که مقصر تشخیص می‌دادند می‌فروختند (غفاری‌فرد، ۱۳۸۱: ۶۵). خدمتگزاران مذکور در واقع همان اسرا و یا برده‌های صفویه بودند که اغلب گرجی و ارمنی یا چرکس بودند، که آنها را یا در جنگ‌ها به غنیمت می‌گرفتند، یا به عنوان هدیه و خراج دریافت می‌کردند و یا در بازارها می‌خریدند. در قرن هفدهم صفویه از گروه‌های جنسی و قومی حاشیه‌ای،

برای نظارت و مرزبانی و ایجاد امنیت استفاده می‌کرد. این غلامان نیز در عوض از امتیاز دسترسی به گرانبهاترین متعلقات شاه، که زنان و پسران و خزانه‌ی او بودند، برخوردار می‌شدند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷). گرچه نباید فراموش کرد که سیاست شاهان صفوی در ایجاد یک نیروی سوم در کشور که نه از نژاد ترک و نه از نژاد ایرانی بودند گرایش به فضیلت سالاری را در جامعه صفویه بسیار تقویت کرد (سیوری، ۱۳۷۶: ۱۸۱). موضوع فضیلت سالار بودن جامعه صفوی را می‌توان به وضوح در گزارشات آدام اولتاریوس مشاهده نمود که صاحب منصبان بر اساس ارزش و شایستگی‌اشان و نه بر اساس نسبشان منصوب می‌شدند، به همین دلیل آنان با شادمانی جان خود برای ایجاد آرامش و امنیت را به خطر می‌انداختند، زیرا می‌دانستند که این یگانه راه ترقی تا بالاترین مدارج است (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ج ۲/ ۶۸۴).

اسناد و منابع تاریخی نشان می‌دهد که مهمترین عامل ظهور گروه مورد بحث در دربار وجود حرمسراها و نیاز به داشتن افراد مورد اعتماد جهت مراقبت، خدمت و نظارت ساکنین این مکان‌ها بوده است. البته از نظر فقهی نیز بسیاری از علما بر این عقیده بودند که اشراف و بزرگان صفوی می‌توانند مالک غلامان باشند چنان که میرزاعبدالله افندی از شاگردان محمدباقر مجلسی در پاسخ به سؤال شاه سلطان حسین که پرسیده بود آیا خواجه کردن بنده سبب آزاد شدن بنده خواهد شد یا خیر؟ گزارش می‌دهد که شمار زیادی از فقهای برجسته مانند ملا محمدتقی مجلسی، ملا محسن فیض کاشانی و محمدباقر خراسانی معتقدند که خواجه کردن منجر به آزادی بنده خواهد شد ولی نظر خود میرزا عبدالله این است که خواجه کردن سبب آزادی بنده نمی‌شود و به رد نظر دیگران پرداخته است و با این فتوا غلامان بلند پایه برای اشراف صفوی را همچنان در مالکیت صاحبان آنها می‌داند (خاتون آبادی، بی تا: ۴۱۴). البته مردم اصفهان نیز از نظر نژادی دیدگاه منفی نسبت به برخی از غلامان سیاه پوست داشتند. به عنوان مثال دیدگاه زنی که به سفر حج می‌رفت در نزدیکی اصفهان در کاروان سرای نزدیک اصفهان متعلق به آغاکمال سیمای این غلام را اینگونه ذکر می‌کند.

«مسافت چون نمودم پنج فرسنگ / به ناگه شد نمایان کوره ای سنگ

ندانم بُد رباط و یا جهنم / گل و خشتش تو گویی بود از غم

ز تاریکی سیه چون کنج مطبخ / غلط گفتم غلط، بد قصر دوزخ
 بُدی هر یورت آن چون کهنه غاری / وطن کرده به هر کنجش ماری
 بنایش را نهاد از بی کمالی / کمال از بهر جان ما و بالی
 در آن غمخانه یک شب تا سحرگاه / به سر بردم به صد رنج و صد اکراه
 سحرگه بار بر جمازه بستم / از آن وادی ضجّت بار رستم»
 (سفرنامه منظوم حج، ۱۳۷۴: ۲۴)

مثال دیگری که در اینجا می‌توان مطرح کرد گزارش ملا صالح قزوینی در مورد نفرت مسلمانان از صاحبان قدرت در اصفهان حکایت دارد که به احتمال زیاد این صاحبان قدرت آرامنه و گرجی‌ها بودند. او می‌نویسد «مردی مجنون صفت در اصفهان نزد امیر حاضر شد. امیر گفت چه حال داری و چونی؟ گفت چه حال داشته باشم که در این شهر نجاست را قدر و منزلت است و آدمی را نیست. گفت چون؟ گفت مگر نمی‌بینی نجاست را بر استرها و خرهای خوب بار کرده‌اند و من پیاده می‌روم» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۲۷۶). در اینجا منظور از نجس‌ها نامسلمانان و به احتمال زیاد آرامنه و گرجی‌ها هستند که در اصفهان کاملاً به چشم می‌آمدند و موقعیتشان به آن‌ها امکان استفاده از اسب را هم می‌داد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۱). ناگفته نماند که منطقه قفقاز سرزمینی بود که در زمان صفویه اهمیت زیادی داشت و چرکس‌ها تقریباً از زمان شیخ جنید و حیدر وارد ایران شدند که اوج ورود آنها در دوران طهماسب اول بود. حتی پریخان خانم دومین دختر شاه طهماسب صفوی که از قدرتمندترین زنان آن عهد بود و در ماه رجب ۹۵۵ ه.ق در حوالی اهر به دنیا آمد از مادری چرکسی بود (حسینی قمی، ۱۳۵۹: ج ۱/۳۳۷).

سرزمین تاریخی چرکستان به زبان بومی به معنای کشور کهن نامیده می‌شود (کجباف، منصوریان، ۱۳۹۵: ۹۸). در واقع شیخ جنید اولین فرد از خاندان صفوی است که علاوه بر قدرت مذهبی و مقام ارجمند روحانی به شهرت و قدرت سیاسی و قبضه کردن قدرت مادی و حکومتی علاقه مند بود او اعمال مذهبی طریقت صفوی را که از زمان شیخ صفی تا خواجه علی سیاهپوش، طریقه ملایمی بود تغییر داده و به آن از

لحاظ سیاسی- مذهبی صورتی افراطی و جنبه‌ای الحادی اضافه نمود و مریدان و صوفیان خود را مسلح کرده و در مرزهای ایران به جهاد علیه چرکسان و مسیحیان رهسپار شدند (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۲۲۹). در این دوران جهان‌شاه قراقویونلو از اقدامات جنید احساس خطر نموده و دستور تبعید جنید را صادر نمود و شیخ جنید نزد حسن بیگ رقیب جهان‌شاه رفت. اسکندربیگ در این مورد گزارش می‌دهد که حسن بیگ خواهر خود را به ازدواج شیخ جنید درآورد (ترکمان، ۱۳۸۲: ج ۱ / ۱۸-۱۷). با توجه به حضور چرکس‌ها در مناطق مرزی ایران و جهاد علیه آن‌ها توسط شیخ جنید او با یک زن چرکسی نیز ازدواج نمود که نشان از حضور چرکس‌ها در مرزهای ایران در دوران شیخ جنید می‌دهد. از آن شهریار نامدار دو پسر کامگار مانده یکی سلطان حیدر که همشیره زاده حسن پادشاه ترکمان بود و دیگری خواجه محمد که والده او جاریه‌ای بود که از غزوه چرکس آورده بودند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶: ۲۶-۲۵). شیخ حیدر نیز در جنگ با چرکس‌ها در مرزهای ایران غنایمی را با خود آورده بود در اردبیل بین اهالی تقسیم نمود که از آن زمره کنیزان و غلامان زیباروی چرکسی را باید یاد کرد (هینتس، ۱۳۶۲: ۹۹). به غیر از این لشکرکشی‌ها حکام ایالات گرجستان هم افراد زیادی را به اسیری گرفته و به عنوان پیشکش و هدیه برای پادشاه می‌فرستادند. همچنین در مناطق قفقاز افرادی بودند که در کار خرید و فروش برده بودند و معمولاً این برده‌ها به عنوان غلام راهی دربار می‌شدند (کجباف، منصوریان، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

غلامان سپاهی

قوای نظامی صفویه در ابتدا ساختار ایلاتی داشت و طبق قبیله و عشیره خود دسته بندی شده بود و نقص‌های آن هنگام مقایسه با سازمان جدید، قشون عثمانی در جنگ چالدران به خوبی آشکار شد. به همین جهت شاه عباس سپاه جدیدی تحت عنوان سپاه شاهی را از میان غلامان تشکیل داد، که کاملاً تحت کنترل خودش بود. نیروی غلامان به دلیل اخلاص به صفویان، مورد توجه خاص شاه بودند و همواره در کار تأمین امنیت و برپا نگاه داشتن نظم داخلی مملکت و در خدمتگزاری به خاندان سلطنتی ابراز لیاقت می‌کردند. درحالی که امپراتوری عثمانی بر اثر قیام‌های ینی‌چری‌ها از نظر سیاست داخلی دچار بحران شد، نیروی قوللر در طول سده یازدهم قمری / هفدهم میلادی، پشت

و پناه اصلی پادشاهان صفوی بودند (لوفت، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۳)؛ (رویمر، ۱۳۸۰: ۳۵۰-۳۴۹). شاه عباس اول برای کاستن قدرت و نزاع میان تاجیک‌ها و قزلباش‌ها که قدرت آن‌ها رو به افزایش بود، به ایجاد عنصر «نیروی سوم» متوسل شد که عبارت بودند از: چرکس‌ها، گرجی‌ها و ارامنه. اینان ابتدا در زمان شاه طهماسب به ایران آورده شده بودند و بعدها به غلامان شاه معروف شدند (نوابی و غفاری فرد، ۱۳۹۱: ۲۲۵). این غلامان به قدری اقتدار یافتند که حتی بعد از مرگ شاه عباس اول ۱۰۳۸ هـ / ۱۶۲۹ م از نود و دو تن امیر مقتدر که این زمان در حیات بودند بیست و یک تن از غلامان بودند. زمانی که وضعیت نظامی آن دوران مورد توجه قرار می‌گیرد پس از مرگ شاه عباس از چهارده ایالت بزرگ هشت ایالت در دست غلامان سلطنتی بود و در زمان مرگ شاه صفی از یازده ایالت بزرگ سه ایالت در دست غلامان سلطنتی قرار داشت. در دوره شاه عباس دوم هم از سی و هفت تن بیگلر بیگ، بیست و سه تن از غلامان بودند (برن، ۲۵۳۷: ۵۰). به عنوان مثال از بیگلر بیگ‌های زمان شاه عباس یوسف خان میر شکار باشی و قزاق خان چرکس جزء غلامان بودند که این روند در دوران پادشاهان دیگر صفوی نیز کماکان ادامه داشت و در دوران هر کدام از جانشینان شاه عباس تعدادی از این بیگلربیگ‌ها از غلامان بودند که نشان از نفوذ غلامان در امور نظامی، انتظامی و امنیتی دولت صفویه دارد، چرا که یکی از اختیارات حکام در دوره صفویه اختیارات نظامی و انتظامی بود و در واقع در هر ایالت حاکم مانند یک شاه کوچک عمل می‌کرد که مهمترین خصوصیت او فرماندهی قوای نظامی بود و اگر قسمتی از مملکت دچار تاخت و تاز قبایل دیگری می‌گردید، بلافاصله یکی از بیگلربیگ‌های ناحیه به مخاطره افتاده انتخاب می‌شد و رفع خطر را به عهده می‌گرفت. البته غلامان در حکومت‌های پادشاه محور ایران هر قدر هم قدرتمند بودند، خادم و غلام شاه شمرده می‌شدند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۴). حتی پسران خردسال مسیحی که به اسارت گرفته می‌شدند و یا حاکمان محلی به عنوان پیشکشی برای شاه می‌فرستادند، ختنه و مسلمان می‌شدند و در ایران با آداب و رسوم ایرانی و انجام فرضیه‌های مذهبی پرورش می‌یافتند. شاه عباس از میان جوانان ورزیده آنان و سایر مسیحیان مسلمان شده مانند چرکس‌ها سپاه مهم غلامان را تشکیل داد (پارسادوست، ۱۳۸۸: ۴۵۵).

ابوالحسن بن ابراهیم قزوینی در این مورد می نویسد: «اعلی حضرت قضا صولت شاهنشاه گیتی پناه شاه عباس فردوس مکان پس از سلطنت پدر به انتظام امور سلطنت و مملکت پرداخت [او] کمال تسلط گرفته بعضی ضوابط و قواعد و شهریاری تجدید فرمود و اکثر امرای قزلباش را که طریق خودسری پیش گرفته بودند و از غایت بی باکی در حرمسرای شاهی ریخته والده ماجده اش را به حضور پدر بزرگوارش در زیر چادر و برقع و معجر کشته بودند. به تدریج به حکمت عملی از پای درآورد و بحر ظلمه و فسقه و اهل شقاوت که دست یافت، وجود نابودش را به خاک مذلت انداخت و به تدبیر صاحب اندیشیده به تربیت غلامان و چاکران همت بلند خود را مصروف کرد و اکثر بزرگ زادگان را به مرتبه امارت و ایالت رسانید. از آن جمله الله وردی خان و گنج علی خان و غیره است. غلامان گرجی و چرکس را در زمره سپاهیان درآورد و چندین هزار اشرا را از اطراف و جوانب جمع ساخته در سلک تفنگ چیان رکاب منتظم گردانید.» (قزوینی، ۱۳۶۷: ۳۸). مقام سپهسالار کل لشکر ایران مقامی «بالتر از هم قورچی باشی و هم قوللر آقاسی» بود که گو یا شاه عباس تأسیس کرد تا بین قزلباشان و غلامان توازن برقرار کند (متی، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

در دستورالملوک راجع به این شغل آمده است: «مشارالیه از جمله امراء جانقی و بعد از قورچی باشی عمده ارباب سلاح و در اسفار مأمور و در تغییر و تبدیل حکام و سلاطین و سایر عساکر منصوره منوط به رای صواب دید عالی جاه مشارالیه است و هر گونه حکمی و امری که متعلق به مجادله و محاربه معرکه کارزار و جنگ و پیکار بوده به مشارالیه مفوض و مرجوع است و ایالت تبریز و مغان و بعضی از محال دیگر آذربایجان به عالی جاه مشارالیه تفویض می یافته» (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۸۰). در مورد امرایی که در دربار شاه مقیم بودند از جمله قورچی باشی و قوللر آقاسی گفتنی است که قورچی باشی مهمترین رکن دولت و ریش سفید تمام ایلات و قبایل دولت صفوی بود. او از اعضای امرای جانقی (مجلس مشورتی) محسوب می شد همچنین رسیدگی به امور قورچیان و تأیید پرداخت حقوق آنان به عهده قورچی باشی بود (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۵). به عنوان مثال نسق چی باشی که در دوره صفوی مأمور اجرا بر قیمت ها و بر تنبیه متخلفان نظارت می کرد جزء گروه قورچیان محسوب می شد. در دستور الملوک نیز آمده است که: «نسق چی باشی سرکرده جمله نسق چیان و در سلک قورچیان می باشد و

مشارالیه با توابع خود همیشه باید در رکاب ظفر انتساب حاضر باشد و به خدمات کشیک و غیره قیام نماید و پادشاهان کسی را که امر به نسق می‌فرمودند به عهده او می‌شد و به تصدیق او و تجویز عالی جاه قورچی باشی بعد از رقم عالیجاه وزیر دیوان اعلیٰ موجب و تنخواه به ایشان داده می‌شد» (افشار، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۱). کار ری هم در مورد قورچیان اینگونه می‌نویسد: «خان‌ها و حاکمان ایالات و دیگر صاحب منصبان خانه شاهی از بین قورچیان و غلامان انتخاب می‌شوند، زیرا اینان هم اندام متناسب دارند و هم دل مهربان و این هر دو صفت یکجا به ندرت در یک ایرانی دیده می‌شود. نژاد غلامان آمیزه‌ای از نژاد گرجیان و چند قوم دیگر ساکن سواحل دریای خزر و دریای سیاه است. شاه و درباریان بزرگ هر یک فرزندان از زنان زیبای دین عوض کرده (مسلمان شده) دارند.» (کارری، ۱۳۸۳: ۱۹۶). میرزا رفیعا در مورد ارکان دولت و اعضای مجلس مشورتی هم می‌نویسد: «اولاً باید دانست که چهار نفر از امرای درگاه گردون اشتباه را ارکان دولت قاهره می‌نامند: اول قورچی باشی دوم قوللر آقاسی سوم ایشیک آقاسی و چهارم تفنگ چی آقاسی و این چهار نفر با عالی جاه وزیر دیوان اعلیٰ و دیوان بیگی و واقعه نویس هفت نفر می‌شوند که از قدیم الایام داخل امرای جانقی بوده‌اند و در اواخر زمان شاه سلطان حسین در چند مجمع ناظر و مستوفی الممالک و امیر شکارباشی نیز داخل بوده‌اند و اگر جانقی به خصوص فرستادن سپهسالار به سمتی از اطراف ممالک محروسه باشد حضور سپهسالار در مجمع جانقی نیز شرط است.» (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۷۵). ماهیت منصب قورچی باشی در دوران صفویان نخستین بی اندازه مبهم است برای نخستین بار در واقع تاریخی سال ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ میلادی / ۹۱۱ ق چهار سال پس از جلوس شاه اسماعیل ذکری از قورچی باشی به میان می‌آید (سیوری، ۱۳۸۲: ۱۲۳). البته در ایالات سردارانی به نام قورچی باشی بودند که جمع محلی قورچیان را فرماندهی می‌کردند در مثل به سال ۹۸۴ هـ / ۱۵۷۶-۷ حسین قلی خلفا روملو به مقام قورچی باشی قورچیان مشهد منصوب شد (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۱). اما قوللر آقاسی بعد از قورچی باشی عمده ترین ارکان دولت و رئیس غلامان بود. اعطای تیول و حقوق سالیانه غلامان با تأیید او صورت می‌گرفت، ارتقای درجات نظامی از قبیل یوزباشی گری (فرمانده صد نفر) و مین باشی گری (فرمانده هزار نفر) نیز تحت

نظر او اداره می‌شد. قوللر آقاسی از امرای جانقی منصوب می‌شد (نوایی و غفاری فرد، ۱۳۹۱: ۳۱۵؛ دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۸۱).

لقب سپهسالار ایران را عباس اول احیا کرد و نخستین فرد منصوب به این مقام غلامی ارمنی اهل ایروان به نام قرچقای خان بود (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۷۷). این سردار اصلاً از ارامنه ایروان بود. در کودکی بدست جمعی از سواران تاتار اسیر شد و به دین اسلام درآمد و سرانجام در کاروان غلامان خاصشاه عباس راه یافت. چون جوانی صدیق و فداکار و کاردان بود شاه آزادش کرد و منصب های بزرگ داد چندی با عنوان بیگ امیر توپخانه و سردار تفنگچیان شاهی بود، پس از آن به فرماندهی دسته‌ای از سپاه ایران منصوب شد (فلسفی، ۱۳۴۷: ج ۲/ ۹۵-۹۳). در جنگ میان ایران و عثمانی میرزا بیگ جنابادی راجع به قرچقای خان می‌نویسد: «نخست عمله بیوتات به سرداری قرچقای خان از یک طرف چون سحاب متراکم به سمت شهر روان گردیدند و در حمله اول حارسان محصور تاب مقاومت نیاورده چون خس و خاشاک از صدمه سیلاب گریز به ستیز اختیار نموده به حصن ارگ تحصن جستند دلیران معرکه رزم بر اثر خدمه و عمله بیوتات به درون شهر داخل گشته جمعی کثیر از رومیه عرضه تیغ و تیر گردیدند و غنیمت بی کران نصیب غازیان رستم توان گردید» (جنابادی، ۱۳۷۸: ۸۰۱-۸۰۰). زمانی که سفیر عثمانی از طرف خلیل پاشا از مرکز ایالت دیار بکر به ایران اعزام شده بود. شاه به او گفت قزلباش‌های او مثل ترک‌ها نیستند که از ترس سرما عمامه‌های بزرگ بر سر گذارند و دست‌های خود را از پوست بیرون نیاورند. بلکه آنان سبک و آماده جنگ هستند و فقط یک شمشیر و یک اسب دارند و در صحنه نبرد مشتاقند با حریف به فوریت روبرو شوند. اگر ترک‌ها مایل به جنگ باشند او قرچقای خان دیوانه خود را بر آنها نازل خواهد کرد تا نسلشان را از میان ببرد. اشاره شاه در این مورد به قره چقای خان فرمانده غلامان خاص بود که علاوه بر این منصب اکنون فرماندهی کل قشون را نیز بر عهده دارد و صاحب منصبان و خان‌ها زیر دست او هستند (دلواله، ۱۳۸۴: ۲۴۳).

جایگاه نظامی و انتظامی الله‌وردی خان گرجی

شاه عباس اول برای خنثی کردن و مهار نمودن سرداران مقتدر، خودسر و گردن‌کش قزلباش که باعث سستی حکومت مرکزی و تجزیه کشور شده بودند، عناصر چرکس و

گرچی را به ویژه در امور انتظامی و لشگری وارد صحنه کرد. گرچی‌ها در ابتدا معمولاً به صورت غلام در دربار سلاطین صفویه وارد می‌شدند، اما از آنجا که استعداد ویژه‌ای در امور نظامی داشتند، معمولاً خیلی سریع در این زمینه پیشرفت می‌کردند و به مقامات عالی نظامی و کشوری می‌رسیدند. الله وردی‌خان یکی از همین گرجیان بود که در جوانی به صورت غلامی به سی سکه طلا به فروش رسیده بود (دلواله، ۱۳۴۸: ۳۳۱). وی پس از آنکه چندین بار از اربابی به اربابی دیگر فروخته شد بالاخره توسط شاه طهماسب خریداری گردید و به جرگه غلامان این پادشاه پیوست و مسلمان شد (فلسفی، ۱۳۴۷: ج ۲ / ۹۱).

الله وردی خان چون جوانی صدیق، فداکار و عاقل بود از طرف شاه عباس به منصب «قوللر آقاسی» یعنی ریاست و سرداری غلامان شاهی منصوب شد. سپس، ضمن گرفتن لقب خانی، برای اولین بار از سوی شاه عباس به حکومت جربادقان (گلپایگان) منصوب شد (هدایت، ۱۳۳۹: ج ۸ / ۲۵۲). پل با شکوهی که خیابان چهارباغ را به حومه‌ی جنوب زاینده رود وصل می‌کند، مزین به نام الله‌وردی‌خان است، غلام گرجی اسلام‌آورده‌ای که سیهسالار شاه عباس اول شد. این پل که در ۱۶۰۷ م. / ۱۰۱۶ ق. به پایان رسید به حق یکی از شاهکارهای معماری و مهندسی ایرانی به شمار می‌رود (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۸). در مورد القاب الله وردی خان نیز لازم به ذکر است که الله وردی خان که در زمان خاقان رضوان مکان شاه صفی قوللر آقاسی بود القاب او بدین گونه بود «ایالت و شوکت و اقبال پناه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه شهامت و بسالت انتباه عالیجاه، امیرالامراء العظام، نظاماً لایاله و الشوکه و العظمه و الحشمته و الجلاله و العزّ و الاقبال الله وردی خان، مصاحب و قوللر آقاسی و امیرشکارباشی و بیگلر بیگی کهکیلویه و سردار لشکر ظفر اثر» (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۵).

جایگاه نظامی و انتظامی امام قلی خان

امام قلی خان بیگ، فرزند بزرگ الله وردی خان و از مادری گرجی تبار متولد شد. وی پس از آنکه پدرش از جانب شاه عباس به امیرالامرای فارس و سپهسالاری ایران منصوب شد، با پدرش به فارس رفت و در سال ۱۰۱۰ ه.ق. هنگامی که پدرش با شاه عباس در خراسان بود، لشگری به جزایر بحرین فرستاد و آن جزایر را، که تا آن زمان در

قلمروی حکومت هرمز، و در دایره نفوذ دولت پرتغال بود، در اواسط ماه رمضان آن سال گرفت (فلسفی، ۱۳۴۷: ج ۲/ ۹۸-۹۷). فیگوئروا در سفرنامه خود در مورد فرزند الله وردی خان ذکر می‌کند «سرزمین برگزیده فارس، همچنین ایالت لار و جزیره بحرین امروز در حیطة اختیار امام قلی خان پسر الله وردی خان است که شاه عباس آنها را مادام العمر بدان‌ها بخشیده است. رسم و راه پادشاهان ایران چنین است که حکومت مطلقه ایالات کشور خود را به شخصیت‌هایی واگذار می‌کنند که در هر زمان که شاه اراده کند آماده جنگ با دشمنان‌اند.» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۵۵). امام قلی خان علاوه بر خدمات سیاسی و نظامی در خدمت دولت صفویه و انجام مأموریت‌های عمرانی به دستور شاه عباس اول، در دوران حکومت خود در فارس به آباد کردن این ایالت علاقه بسیار داشت و کارهای عمرانی و فرهنگی گسترده‌ای در قلمرو حکومتی خود انجام داد (ثواقب، ۱۳۸۹: ۳).

اقدامات نظامی الله وردی خان و امام قلی خان در مبارزه با بیگانگان

در سال ۹۱۲ق پرتغالی‌ها با رشوه و حيله به جزیره هرمز راه یافتند و در آنجا قلعه‌هایی ساختند و به مرور زمان جمع‌کثیری از آنها در این محل رحل اقامت افکندند. آنها شروع به مداخله در امور جزیره نمودند و به زودی در آنجا صاحب اقتدار شدند. پرتغالی‌ها به سرعت هرمز را بصورت مستعمره در آوردند و امیر هرمز تحت سلطه آنان قرار گرفت در سال ۱۰۱۰ هجری فرخ شاه والی هرمز در گذشت و فرزندش فیروزشاه جانشین او شد وزیر وی شرف‌الدین لطف‌الله بود که برادرش رکن‌الدین مسعود را حاکم بحرین کرده بود. بعد از مرگ فرخ شاه وی لوای استقلال برافراشت، اما چون از قدرت پرتغال می‌ترسید، از خواجه معین‌الدین فالی که از نزدیکانش بود یاری طلبید. خواجه نیز موضوع را به اطلاع خان شیراز رسانید. الله وردی خان جمعی تفنگ‌چی را به همراهی خواجه به مدد حاکم بحرین و باطناً به منظور تسخیر آن روانه نمود. خواجه به بحرین رفت و طی چند روز که در آنجا بود نقشه تسخیر بحرین را مطالعه و پی‌ریزی کرد. سحرگاهی او و رییس منصور که عموزاده اش بود با جمعی به خانه رکن‌الدین مسعود رفته و او را همراه با ملازمانش به قتل رساندند. مردم بحرین در مقام مدافعه و مقابله برآمدند اما از بخت خوش خواجه به الله وردی خان امیر یوسف شاه برانگاری که

در مراجعت از حج اموالش به سرقت رفته بود همراه جماعتی جهت تفحص اموال مسروقه و معاونت خواجه معین الدین روانه بحرین ساخت. آنها در موقع مناسبی رسیدند و با کمک هم بحرین را مسخر نمودند. فیروز شاه والی هرمز و پرتغالی‌ها با شنیدن تسخیر بحرین در صدد استرداد برآمدند و محارباتی در خشکی و دریا بین طرفین روی داد که خواجه و امیر یوسف کشته شدند، اما در نهایت بحرین در دست ایرانیان باقی ماند و والی هرمز و پرتغالیان شکست خورده و مراجعت کردند (میرجعفری، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

فرزند و جانشین الله وردی خان امام قلی خان نیز قلعه بندر (منظور گمبرون یا بندر عباس است) را که پرتغالی‌ها تا دویست مایلی دریای اطراف آن را در دست داشتند از آنها باز ستاند (دلواله، ۱۳۸۴: ۲۴۴).

در مورد اتحاد ایران و انگلیس علیه پرتغالی‌ها و تصرف هرمز گفتنی است که در هشتم ژانویه ۱۶۲۲ م قراردادی بین امام قلی خان و ادوارد مانوکس نماینده شرکت هند شرقی انگلیس در میناب به امضا رسید که شامل پنج ماده بود. اولاً ناوگان انگلیسی سربازان ایرانی را به هرمز حمل و با آنان در فتح جزایر اشغالی پرتغال مساعدت خواهند کرد و غنایم جنگی به تساوی میان طرفین تقسیم خواهد شد ثانیاً قلعه هرمز مشترکاً به تصرف نیروی دو دولت در خواهد آمد، ثالثاً اسیران جنگی مسیحی به انگلیسی‌ها و اسیران مسلمان به ایرانی‌ها تسلیم خواهند شد. رابعاً هزینه لشکرکشی را طرفین به تساوی خواهند پرداخت و خامساً از کالاهای انگلیسی به جز آنچه برای شاه و خان فارس فرستاده می شود حقوق گمرکی اخذ خواهد شد. پس از امضای این قرارداد کشتی‌های انگلیسی در ۱۹ ژانویه ۱۶۲۲ در بندر گمبرون امام قلی خان و سه هزار سرباز را سوار کرده بسوی جزیره هرمز روانه شدند نیروی دریایی پرتغال در این جزیره مرکب از پنج فروند کشتی جنگی و دو کشتی بازرگانی و چند زورق بود که در مقابل حمله ناوگان انگلیسی از جنگ خودداری کردند و به جزیره قشم گریختند. در جزیره قشم قسمتی از سربازان ایرانی به فرماندهی شاهقلی بیگ از کشتی پیاده شده و قلعه جزیره را محاصره نمودند. روی فریراداندرا حکمران پرتغالی هرمز در قلعه سنگر گرفت و پیشنهاده تسلیم انگلیس را رد کرد. لذا ناوگان انگلیسی آتش توپخانه خود را به قلعه قشم گشودند و پس از سه روز به علت ویران شدن قسمتی از قلعه روی فریرا پرچم

سفید برافراشت و خود را به انگلیسی‌ها تسلیم کرد که او را به سورات فرستادند. پس از این پیروزی ناوگان انگلیسی حامل سربازان ایرانی دوباره متوجه جزیره هرمز شدند. در نهم فوریه ۱۶۲۲ سربازان ایرانی به فرماندهی امام قلی خان قلعه هرمز را محاصره کردند و ناوگان انگلیسی هم آن را به توپ بستند. سپاهیان ایران از قسمتی از دیوار قلعه که خراب شده بود به درون آن راه یافتند و پرتغالی‌ها که مقاومت را بی فایده دیدند به فرماندهان انگلیسی توسل جستند و در ۲۳ آوریل ۱۶۲۲ پس از گرفتن تأمین جانی تسلیم شدند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۵: ۸۹-۸۸).

با توجه به اینکه در سال ۱۰۳۱ هجری / ۱۶۲۲ میلادی جزیره هرمز به دست ایرانیان افتاد حدود یک ماه قبل از این اتفاق جزیره قشم نیز از دست پرتغالی‌ها در آمده بود (نوایی، ۱۳۶۰: ۱۷).

جایگاه نظامی و انتظامی گنج علی خان

در وصف نقش گنج علی خان در پیشبرد دولت صفوی، همین بس که او مردی درستکار و بسیار عادل و مهربان با مردم بود و خدمات ارزنده‌ای را به مردم و دولت صفوی کرده است. تلاش‌های شاه عباس اول در گماردن گنج علی خان به حکومت کرمان در سال ۱۰۰۵/۱۵۵۶ را باید در راستای کوشش‌های شاه عباس برای باز پس‌گیری حاکمیت کامل بر جنوب کشور و راه‌های ارتباطی با بنادر تجارتنی سواحل خلیج فارس دید. این والی سهم به‌سزایی در تسلط شاه عباس بر سیطره قزلباشان ایفا نمود. رابطه صمیمانه او با خاندان سلطنت باعث گردید که او گزینه مطمئنی برای جانشینی ملوک طایفه یاغی افشار باشد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۱). بناهایی چون مجموعه گنج علی خان در کرمان که از آثار مهم و با ارزش دوره اسلامی ایران است توسط وی ساخته شده است. در تاریخ صفویه گنج علی خان به سبب ساختن مجموعه میدان گنج علی خان در کرمان مشهور است که چهره شهر را تغییر داد و جنبه تجاری اش را تقویت کرد گنج علی خان در هرات در کنار عباس میرزای ولیعهد بالید. عباس میرزا را به علی قلی خان شاملو والی خراسان سپرده بودند. خاطرات کودکی این دو تا هنگام بزرگسالی و زمانی که عباس به تخت سلطنت نشست زنده ماند. گنج علی خان برای اثبات برادری اش تا هنگام مرگ در جنگ‌ها ملتزم رکاب بود (سلطانی، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۸).

جایگاه نظامی و انتظامی ساروتقی

ساروتقی مسلمانی تبریزی بود که به فرمان شاه عباس اول مقطوع النسل گردید و در جرگه غلامان و خواجه سرایان وارد شد. وی وزیر اعظمی بود که رابطه مستقیمی با خاندان صفویه داشت. او در ایجاد امنیت نقش به سزایی ایفا نمود. حتی پس از مرگ شاه عباس اول سیاست‌های نظامی و امنیتی ساروتقی در مرکز مملکت کشور را در برابر چالش‌های ناشی از مرگ شاه عباس تضمین نمود و با آنکه پادشاهی بزرگ در ایران از دنیا رفته بود، آشفتگی‌های داخلی کمتری با توجه به سیاست‌های ساروتقی در کشور ایجاد شد. حتی در اقدامات شدید نظامی شاه صفی برای دفع شورش غریب شاه گیلانی که این قیام یا هدف جدایی از دولت مرکزی صورت گرفته بود، گماشتن ساروتقی در راس نیروهای نظامی برای مواجهه با قیام کنندگان باعث شکست قیام گردید. او همچنین در سرنگونی رجالی که از ناحیه آن‌ها برای قدرت شاه و موقعیت خویش احساس خطر می‌کرد، نقش چشمگیری داشت. اقدامات نظامی و امنیتی او، زمینه را برای رشد مسائلی مانند معماری کاملاً مهیا می‌کرد. در واقع در زمینه تشویق معماری هیچ یک از غلامان درباری به پای میرزا محمدتقی مشهور به ساروتقی ۱۶۴۵/۱۰۵۵ نمی‌رسیدند (نام «سارو» را شاه عباس روی او گذاشت چون موبور بود) کارهای عمرانی ساروتقی ساخت شهرهای کاملاً تازه و راههای بازرگانی مهم، نوسازی و بازآرایی حرم امام علی (علیه السلام) در نجف تکمیل یک مدرسه در قزوین، تغییر اساسی عالی قاپو در اصفهان، دو کاخ و دو مسجد و یک کاروان سرا در پایتخت و... از اطمینان فراوان شاه به او و نفوذ شخصی‌اش حکایت داشت. ساروتقی در خانواده رجلی تبریزی بزرگ شد و از نوجوانی در اصفهان به ارتش پیوست ولی آینده‌ی او در مشاغل دیوانی بود. از حسابداری حاکم اردبیل آغاز کرد و تا وزیر اعظمی در اواخر عمرش بالا رفت. گویا او والی مازندران بود که تشویق معماری را به گونه‌ای چشمگیر آغاز کرد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۴-۱۲۵). ساروتقی که آشکارا مشتاق بود تا خود را به مذهب و شاه نزدیک سازد پس از آنکه راه خونین رسیدن به قدرت را پیمود کار ساخت یک مسجد را در اصفهان آغاز کرد و در ۱۰۵۳ ق / ۴ - ۱۶۴۳ م کمی پس از مرگ صفی ساخت آن به پایان رسید (نیومن، ۱۳۹۲: ۱۲۲). ساروتقی حتی در دوره شاه عباس دوم مأمور ساخت تالار جلو علی قاپو با ستونهای چوبی گردید. یکی از مورخان دوره شاه عباس دوم نیز در

مورد آن می نویسد: «هم در این اوان منصب ایشیک آقای باقی گری حرم علیه به علی قباد بیگ ولد میرزا علی سلطان چوله بی مفوض شد و حسب الامر الاعلی مقرر گردید که معماران کشور همت در پیش عمارت هفت آشام الاقایی رو به جانب میدان نقش جهان تالار سامان نمایند. روز پنجشنبه بیست و چهارم شهر ذوالقعدة به طالع مسعود بنای آن تالار آسمان ارتفاع را گذاشته در عرض اندک روزگاری مخدوم الامرا الاکرم میرزا تقی وزیر اعظم به اتمام رسید» (شاملو، ۱۳۷۱: ۲۸۰).

ساروتقی در زمان شاه صفی برای سرپرستی ساختمان حرم امام علی به نجف اعزام شد و اعتبار خود را در این زمینه نزد شیعیان افزایش داد. محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی در خلاصه السیر در این مورد می نویسد «و مقارن این احوال از جانب میرزا تقی وزیر دارالمرز که سرکار عمارت نجف اشرف بود عریضه به پایه سریر خلافت مصیر آمده که در دو فرسخی غرویه کان سنگ مرمر ابلقی به هم رسیده که آنقدر سنگ که به جهت [آزاره] فرش ضرور باشد به هم می رسد و چند پارچه از آن سنگ نمونه ارسال داشته بود عرض نموده که اتمام عمارت موقوف به چنین سنگ بود الحمدلله که به یمن برکت آستانه مقدسه و اقبال بی زوال آن آرزو از قوت به فعل آمد و دیگر حالت منتظره نمانده است» (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۹). بنابراین ساروتقی اقدامات بسیار مفیدی در زمینه‌های مختلف در عصر صفویه انجام داد که اقدامات او قابل ستایش است حتی او در شهر قم دومین شهر مذهبی کشور نیز اقدامات بزرگی انجام داده است. بعنوان مثال قدیم ترین آب انبار قم، آب انبار ساروتقی است که در سال ۱۰۵۵ بنا شده است (مدرسی طباطبائی، ۱۳۳۵: ج ۲/ ۱۴۱). از این مرد بزرگ چند اثر تاریخی نیز در اصفهان باقی مانده است از جمله کاروان سراهایی در بازار بزرگ اصفهان چند اثر تاریخی نیز در اصفهان که تا امروز هم نزد مردم به سالتقی معروف است. البته این بنا امروزه تغییر شکل بسیار یافته است و دیگر مسجدی که در بازارچه حسن آباد است و آن مسجد ساروتقی است (مهریار، ۱۳۷۶: ۷۱-۷۰). به هر حال وجود وزیران با کفایتی مانند میرزا تقی اعتماد الدوله در دولت صفوی زمینه رشد و ترقی جامعه ایران آن عصر را فراهم می کرد اما افسوس که اکثر این غلامان در اثر توطئه به قتل می رسیدند. نمونه آن واقعه قتل این وزیر اعظم در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۵ ه.ق بر اثر توطئه جانی خان بود که به گزارش محمد طاهر وحید قزوینی مورخ رسمی دربار شاه

عباس دوم میان او و جانی خان قورچی باشی کدورت ایجاد شد و او نیز میرزا تقی اعتماد الدوله را در یک توطئه به قتل رساند (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴۰۷-۴۰۵).

اقدامات امنیتی و انتظامی غلامان در گسترش تجارت عصر صفوی

اقدامات غلامان در فتوحات نظامی گسترش و تثبیت قلمرو در مرزهای هم جوار با حکومت های رقیب و اقداماتی مانند تامین امنیت راهها، گسترش کاروان سراها و انجام امور انتظامی موجب رشد تجارت داخلی در دوره صفویه گردید. در واقع رونق تجارت در دوره شاه عباس اول متأثر از پیروزی در جنگ با همسایگان، سرکوب مدعیان قدرت تحکیم و تثبیت حکومت در برقراری امنیت در کشور و تسلط بر جزیره هرمز و سواحل خلیج فارس بود که غلامان، سهم به سزایی در تامین امنیت و جنگ با بیگانگان داشتند. بنا به نوشته یکی از خاورشناسان «تجارت ایران مثل همه ممالک دنیا عبارت از تجارت داخلی و تجارت خارجی می باشد اما فرق در اینست که تجارت ایران تقسیم شده است. تجارت داخلی در دست ایرانیان و یهودیان است اما تجارت خارجی به کلی در تصرف ارامنه است که عامل پادشاه و بزرگان مملکت و به معاملات ابریشم مشغول هستند» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۹۶).

اسکان جلفایی ها در اصفهان اهمیتی محوری برای اصلاحات سیاسی شاه داشت. پژوهشگران در این مورد اتفاق نظر دارند که بیشترین سهم از تجارت خارجی ابریشم ایران در این دوره را ارامنه جلفا داشتند. آنچه کمتر می دانند این حقیقت است که همین بازرگانان مسیحی یک گروه آورده شده دیگر از قفقاز را هم تأمین هزینه می کردند و آن گروه غلامان بودند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۴). خواجه های ارمنی، نه تنها از پشتیبانی شاهان صفوی برخوردار بودند بلکه تا حدی به عنوان نمایندگان طبقه حاکم نیز شناخته می شدند. شاه عباس سعی نمود با بیش گرفتن سیاست تساهل و تسامح مذهبی نسبت به ارامنه محیط آرام و مناسبی برای آنها بوجود آورد تا بتوانند با اروپا به تجارت بپردازند (اعرابی هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۰۹-۲۰۷).

بطور کلی شاه عباس برای ملتش نه تنها یک پادشاه خوب، بلکه در عین حال پدر و سرپرست دلسوز و مهربانی است. وی نه تنها به رعایای خود زمین و حشم می بخشید، بلکه به هر کس که نیازمند باشد پول کافی می دهد تا احتیاجات خود را برطرف سازد،

به کسانی که استطاعت داشته باشند قرض می دهد و به آنان که مستمند هستند بی عوض می بخشد (دلواله، ۱۳۸۴: ۱۴۰). در گزارشی در مورد برخورد ایرانیان با مسیحیان اینگونه ذکر شده که «معمولاً ایرانی‌ها با مسیحی‌ها هم غذا نمی شوند، اما شاه (شاه عباس اول) امر کرده بود که با من غذا بخورند، من بیش از بیست بار با اعلیحضرت پادشاه ایران غذا خوردم. شاه مردی خوش رو، مهربان و خوش خلق است و مخصوصاً نسبت به مسیحیان بسیار مهربان و خوش رفتار می باشد» (تکتاندرفون در یابل، ۱۳۵۱: ۶۳).

خواججه‌های ارمنی دارای نمایندگان خود در مراکز مهم آن عصر چون استامبول، زمیر، اصفهان، مسکو، آمستردام، مارسی و جز اینها بودند. سیمئون لهاتسی با پرداختن به بازرگانان بزرگ ارمنی ساکن در لووف می نویسد: «...آنها بازرگانان بزرگ و نامی هستند و دارای وكلا و نمایندگانی در استامبول، آنکارا، اصفهان، مسکو، کتانسکا، پرتغال و جز اینها هستند. در میان آنها خواججه‌هایی هستند که ۵۰/۰۰۰، ۸۰/۶۰،۰۰۰/۰۰۰ و ۱۰۰/۰۰۰ قروش و یا بیشتر ثروت دارند. صاحب ملک باغ و باغچه، درختان میوه، بوستان، گلستان، گل و گیاه و اراضی هستند که در آنها دریاچه وجود دارد پر از ماهی و آب‌های حیرت‌انگیز.» (بایوردیان، ۱۳۷۵: ۱۶۰). لشکرکشی‌های صفویه به قفقاز در جابه جایی جمعیتی از این ناحیه به داخل کشور مؤثر بود و شمار بسیاری از نیروهای قفقازی را وارد ایران کرد. از پیامدهای حضور این نیروهای جدید این بود که در عصر صفویه، به ویژه دوره حکمروایی شاه عباس اول، اداره و ریاست بسیاری از نهادهای حساس کشوری، لشکری و اقتصادی ایران به ملل قفقاز ارمنی‌ها، چرکس‌ها و گرجی‌ها واگذار شد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۷۱۶؛ اولتاریوس، ۱۳۶۹: ج ۲/ ۱۱۲۰ و ۱۱۴۰-۱۱۳۷؛ گیوتاشویلی، بی تا: ۸۰؛ ثواقب، ۱۳۸۹: ۲). بی گمان، رونق اقتصادی در یک کشور، تا حد زیادی به ثبات سیاسی، آرامش، پشتیبانی و تساهل اجتماعی حکومت بستگی دارد. منابع حاکی از آن است که تا زمانی که آزادی‌ها و عزت ارمنیان برقرار بود، به همان نسبت داد و ستد آنان نیز رونق داشت. اما با آشکار شدن تدریجی نابسامانی‌های سیاسی حکومت در روزگار پایانی صفویان، آنان نیز دچار تنگناهای سیاسی-اجتماعی شده و کسب و کارشان به کساد گرایید (سلطانیان، ۱۳۹۰: ۹۷).

غلامان و هنر صفویه

بسیاری از غلامان در دوره صفویه علاوه بر فرماندهی در امور نظامی انتظامی و مبارزه با بیگانگان برای حفظ تمامیت ارضی کشور و ایجاد امنیت در ایران، به هنر نیز توجه زیادی می‌کردند و در زیر سایه امنیت ایجاد شده کارهای بزرگ هنری نیز انجام می‌دادند. به عنوان مثال قره چقای خان ابتدا در دوزندگی مشغول به کار شد و پس از آن فرمانده توپ خانه و تفنگ چیان گردید و سپس یا کمک الله وردی خان نیروهای عثمانی را شکست داد. اوایل قرن هفدهم غلامان نقاش و خطاط در کتابخانه، نگارخانه سلطنتی که فقط به آن کتابخانه می‌گفتند جایگاهی داشتند و برخی در سفارش و گردآوری کتابهای مصور و اشیای تجملی دیگر فعال بودند. دیری نگذشت که در تشویق هنرهای کتاب آرای بر رقیبان قزلباش پیشی گرفتند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۵-۱۴۴). طهماسب که خود در هنر کتاب آرای ایران چیره دست بود از زمان اقامت در هرات از این طرح حمایت می‌کرد. این پروژه از زمان حکومت اسماعیل و در پی نبرد چالدران در ۹۲۰ ه / ۱۵۱۴م آغاز شد. اما میان سالهای ۹۴۱ ق / ۱۵۳۵م تا ۹۴۳ ه / ۱۵۳۷م یعنی در حدود بیست و شش سالگی طهماسب و همزمان با گذار از ائتلاف شاملو - استاجلو به دوره سیطره استاجلوها و پایان جنگ داخلی تکمیل گردید (نیومن، ۱۳۹۲: ۵۵).

در اواخر قرن شانزدهم چند غلام در کتابخانه‌های همایونی کار می‌کردند که برجسته ترین آنها سیاوش گرجی بود. او را در حدود سال ۱۵۴۴م / ۹۵۰ ه در یکی از لشکرکشی‌های شاه طهماسب به گرجستان اسیر کرده و به تبریز آورده بودند. در دربار درس خوانده و تحصیل هنر را از خردسالی آغاز کرده بود (بابایی، ۱۳۹۳: ۱۵۰). چنانکه در مورد او آمده است که: «سیاوش بیگ مملوک شاه رضوان بارگاه شاه طهماسب از گرجستان بود. شاه جمجاه او را از طفولیت به نقاش خانه داده بود. پیش مولانا مظفر علی شاگردی می‌کرد در تصویر سرآمد دوران گردید و در آن امر نادره جهان شد به غایت [در نقاشی] قادر است.» (منشی قمی، ۱۳۵۲: ۱۴۸).

یکی از تاریخ نگاران دوره صفوی در مورد عنایت خاص شاه طهماسب به هنر می‌نویسد «...و چون عادت پادشاه مغفور شاه طهماسب چنان بود که اولاد امرا و اعیان

خود را در صغر سن به حرم خاص خود برده در سلک شاهزادگان اختصاص داد. با مخادیم ذوی الاحترام انتظام می داد. در تربیت و رعایت دقیقه نامرعی نمی گذاشت به تعلیم قرآن و خواندن احکام شرعیه و تقوی و طهارت تحریض کرده به مصاحبت مردمان دین دار و کسان به امانت اجبار ترغیب می فرمود و دایم ایشان را از اختلاط مردم مفسد کج طبع شریر به نفس فاسق مانع آمده خدمت علما و فضلا بدیشان تفویض می نمود و چون به حد رشد و تمیز می رسیدند به فنون سپاهگیری و تیر انداختن و چوگان باختن و اسب تاختن و قوانین سلاح شوری و قاعده انسانیت و آدمگری می آموخت. می گفت گاهی به صنعت نقاشی نیز مقید باشید که سلیقه را سر راست می کند» (بدلیسی، ۱۳۴۳: ۵۷۶-۵۷۷).

در میان غلامان کوشاترین سفارش دهندگان و گردآورندگان آثار هنری منقول در نیمه نخست قرن هفدهم قره چقای خان و اولادش بودند. قره چقای خان موفق شد مجموعه ی خیره کننده‌ای از ظروف چینی فراهم آورد و پسرش منوچهرخان و نواده همانش قره چقای خان دوم از پرنفوذترین سفارش دهندگان متون مصور در دوره صفوی شدند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

در گزارشی راجع به قره چقای خان آمده است: «وی از طبقه مسیحیه ایروان بود در کودکی و فتور آن ولایت بذل اسیر گرفتار گشته چون نیکبخت بود در سلک عبدو غلامان خاصه شریفه انتظام یافته سعادت یافت چون جوهر ذاتش قابل بود در خدمت اشرف مورد تربیت گشته روز بروز به درجه علیا ترقی می کرد و به حسن خدمات منصب قیچاجیگری (دوزندگی) یافته بعد از ظهور رشد و کاردانی میرتوپخانه و سردار تفنگچیان گردید» (ترکمان، ۱۳۸۲: ج ۳ / ۱۰۴۰). منوچهرخان و پسرش قره چقای دوم که از نسل دوم و سوم غلامان نومسلمان بودند تشویق هنرهای کتاب آرایی را برای تحکیم هویت ایرانی خود برگزیدند (بابایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۳).

نتیجه

خدمات ارزنده‌ای که از سوی غلامان با کفایتی چون الله وردی‌خان و امام قلی خان و گنج علی خان در برقراری نظم و امنیت و تاثیر آن در تجارت، هنر و معماری دوره صفوی ارائه شده بسیار چشمگیر است و در مهار قدرت سران سرکش قزلباش و دوام و

پیشرفت دولت صفویه بسیار مؤثر بوده است. در واقع الگوی ارباب و برده که از زمان طهماسب اول شروع و در زمان شاه عباس اول به اوج خود رسید حکومت طایفه ای را کنار زده و مخصوصاً در ساختار نظامی و انتظامی آن شکاف بزرگی ایجاد نمود. خاندان صفوی و در رأس آن شخص شاه حیاتی دوباره یافت. اتکای شاه به قزلباشان کم شد و تعهد نه براساس منافع طایفه ای، بلکه بر پایه روابط و منافع فردی ایجاد گردید. حتی انتقال پایتخت به اصفهان نیز خصومتی بود که دستگاه اجتماعی- نظامی و انتظامی جدید ایجاد می کرد، یعنی دستگاهی که امکان بقاء در نظام قزلباشی نداشت. بازرگانان ارمنی که زیر سایه امنیت ایجاد شده توسط شاه عباس و غلامان خاصه در ۱۶۰۴ م / ۱۰۱۳ به اصفهان آمدند از مهارت آنها در تجارت ابریشم استفاده شد و اوضاع مالی کشور برای تأمین مواجب کارگزاران تضمین گردید. بر اثر امنیت به وجود آمده توسط غلامان و اقدامات آنان، معماری عصر صفوی به قدری پیشرفت نمود که شاید بتوان ادعا نمود که در هیچ دوره دیگری از تاریخ ایران بعد از اسلام سابقه نداشته است. تلاشهای غلامان در زمینه های مختلف دیگر مانند هنر، تجارت، امور نظامی، انتظامی، امنیتی، مبارزه با بیگانگان در مرزها و حتی استعمار بسیار ستودنی است چنانکه به شهادت سفرنامه نویسان اروپایی شاه عباس اول با آوردن نام غلامانی مانند قره چقای خان در برابر سفرای عثمانی لرزه بر اندام آنها می انداخت. ثبات سیاسی، نظامی و امنیتی که شاه عباس اول به کمک این غلامان در کشور ایجاد نمود رونق اقتصادی را به دنبال داشت و اقتصاد صفویه به کمک آنها بهبود یافت. حتی غلامان در زمینه هنرهای کتاب آرایی بر رقیبان قزلباش خود پیشی گرفتند. چنانچه برخی خواجهگان حرمسرا در امور فنی بسیار چیره دست بوده و هنر نقاشی را گسترش دادند و در اموری چون نظم، امنیت، انتظامات، تشریفات درباری و آموزش شاهزادگان به ویژه ولیعهد نقش موثری ایفا نمودند و جان کلام اینکه بی توجهی به نقش غلامان در ساختار نظامی، انتظامی و ایجاد امنیت در دولت صفویه یعنی پشت پا زدن به اکثر دستاوردهای این حکومت در زمینه های مختلف نظامی، انتظامی، امنیت، اقتصاد و هنر که این غلامان با اقدامات خود توانسته بودند باعث اقتدار حکومت صفویه شوند.

منابع

- اصفهانی، محمدمعصوم بن خواجگی، (۱۳۶۸)؛ (خلاصه السیر) زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی. ##
- اعرابی هاشمی، شکوه السادات، (۱۳۹۴)؛ ارامنه جلفای نو در عصر صفوی، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی. ##
- افشار، ایرج، (۱۳۷۸)؛ بازمانده دستورالملوک به اهتمام ایرج افشار، مجله فلسفه و کلام (معارف)، فروردین – تیر، شماره ۴۶، صص ۳۰-۱۸. ##
- افواشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، (۱۳۷۳)؛ نقاوه الاثار فی ذکر الاخبار، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ##
- اولناریوس، آدام، (۱۳۶۹)؛ سفرنامه اولناریوس، جلد ۲، ترجمه حسین کردبچه، تهران: کتاب برای همه. ##
- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم، (۱۳۸۳)؛ فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۳۰ هجری قمری)، به تصحیح و تعلیق دکتر محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ##
- بابایی، سوسن و دیگران، (۱۳۹۳)؛ غلامان خاصه، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز. ##
- بایبوردیان، واهان، (۱۳۷۵)؛ نقش ارامنه ایرانی در تجارت بین‌المللی تا پایان سده ۱۷ میلادی، ترجمه: ادیک باغداساریان (گرمانیک)، تهران: ناشر مؤلف. ##
- بدلیسی، امیر شرف خان، (۱۳۴۳)؛ شرف نامه تاریخ مفصل کردستان، پیشگفتار و ویرایش محمد عباسی تهران بی نا. ##
- برن، رهبر، (۲۵۳۷)؛ نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ##
- پارسادوست، منوچهر، (۱۳۸۸)؛ شاه عباس اول، تهران: شرکت سهامی انتشار. ##
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۳۶)؛ ترجمه ابوتراب نوری و تصحیح دکتر حمید شیرانی، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید اصفهان. ##
- ترکمان، اسکندریک، (۱۳۸۲)؛ تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، جلد اول و نیمی از جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر. ##

- ترکمان، اسکندربیک، (۱۳۸۲)؛ تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر. ##
- تکتاندرفون دریابل، ژرژ، (۱۳۵۱)؛ ایتپرسیکوم (گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول) ترجمه محمود تفضلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ##
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۸۹)؛ بررسی علل و پیامدهای قتل امام قلی خان حاکم فارس در عصر شاه صفی ۱۰۴۲ هجری قمری، مجله پژوهش های تاریخی، سال دوم، شماره سوم، (پیاپی ۷)، پاییز، صص ۳۲-۱. ##
- جملی کارری، جووانی فرانچسکو. (۱۳۸۳)؛ سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کاررنگ، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ##
- جُنابدی، میرزا بیک حسن بن حسینی، (۱۳۷۸)؛ روضه الصفویه، به کوشش غلامرضا مجد طباطبایی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ##
- حسینی استرآبادی، سید حسین بن مرتضی، (۱۳۶۶)؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم. ##
- حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین، (۱۳۵۹)؛ خلاصه‌التواریخ، مصحح احسان اشراقی، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران. ##
- خاتون آبادی، محمد صالح بن عبدالواسع، (بی تا)؛ آگاهی های تازه در باره غلامان و کنیزان در دوره صفوی، آداب سنیه، به کوشش رسول جعفریان، مقالات و رسالات تاریخی شماره اول صص ۵۲۶-۴۰۷ ##
- خواند میر، غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی، (۱۳۵۳)؛ حبیب السیر فی الاخبار افراد بشر، ج ۴، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات خیام. ##
- دانش پژوه، محمدتقی، (۱۳۴۷)؛ دستورالملوک میرزا رفیعا، مجله میان رشته ای: : دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: مهر و آذر - شماره ۶۵-۶۶، صص ۹۳-۶۲ ##
- دلاواله، پیتر، (۱۳۴۸)؛ سفرنامه، ترجمه و شرح و حواشی شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب. ##
- دلاواله، پیتر، (۱۳۸۴)؛ سفرنامه، ترجمه شعاع‌الدین شفا، چاپ چهارم تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ##
- روزبهان، خنجی اصفهانی، فضل الله بن محمد، (۱۳۷۹)؛ عالم آرای امینی، به تصحیح مسعود شرقی، تهران: انتشارات خانواده. ##

- روملو، حسن بیگ، (۱۳۵۷)؛ احسن التواریخ، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات بابک، تهران. ##
- رویمر، هانس روبرت، (۱۳۸۰)؛ «برآمدن صفویان» در تاریخ ایران (دوره صفویان)، پژوهش در دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی. ##
- زرگری نژاد، غلامحسین؛ (۱۳۸۷)؛ چرخسها، بحران خاموش «مطالعات اوراسیای مرکزی» شماره ۴ ##
- زرگری نژاد، غلامحسین؛ علی پور، نرگس. (۱۳۸۸)؛ نگاهی به وضعیت کنیزان، غلامان و خواجهگان در عصر قاجار، مجله پژوهشهای تاریخی، سال چهل و پنجم، دوره جدید، شماره ۲، تابستان، صص ۱۸-۱. ##
- سلطانیان، ابوطالب. (۱۳۹۰)؛ کارکرد ابریشم و نقش بازرگانان ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال چهل و چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، ۱۰۱-۷۹. ##
- سلطانی، مهدی. (۱۳۸۷)؛ غلامان بانی (گزارشی از فصل چهارم غلامان شاه) مجله هنر و معماری: گلستان هنر پاییز، شماره ۱۳، صص ۳۱-۲۴. ##
- سیوری، راجر، (۱۳۷۶)؛ ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نشر مرکز. ##
- سیوری، راجر، (۱۳۸۲)؛ تحقیقاتی در ایران عصر صفوی، ترجمه: عباسقلی غفاری فرد و محمد باقرآرام، تهران: امیرکبیر. ##
- سیوری، راجر، (۱۳۸۰)؛ در باب صفویان، ترجمه رمضان علی روح الهی، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر مرکز. ##
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی، (۱۳۷۱)؛ (قصص الخاقانی) به تصحیح دکتر سیدحسن سادات ناصری، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ##
- عالم آرای، شاه طهماسب، (۱۳۷۰)؛ به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات دنیای کتاب. ##
- غفاری فرد، عباسقلی، (۱۳۸۱)؛ تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، کیهان فرهنگی، تهران: سمت. ##
- غفاری فرد، عباسقلی. (۱۳۸۱)؛ از شیخ صفی تا شاه شاه اسماعیل، کیهان فرهنگی، سال ۱۹، شماره ۱۸۶-۱۸۵، صص ۵۵-۵۳. ##

- فلسفی، نصرالله، (۱۳۴۷)؛ زندگانی شاه‌عباس اول، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ##
- فیگوئروا. دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۶۳)؛ سفرنامه‌ی فیگوئروا (سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول) ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو. ##
- قزوینی، محمدصالح بن محمدباقر، (۱۳۷۱)؛ محاضرات الادب‌اء و محاورات الشعرا و البلاغ‌اء به اهتمام احمد مجاهد تهران: انتشارات سروش. ##
- قزوینی، ابوالحسن بن ابراهیم (۱۳۶۷)؛ فواید‌الصفویه، تصحیح مقدمه و حواشی دکتر مریم میر احمدی، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ##
- کجیاف، علی اکبر؛ منصوریان، مجتبی. (۱۳۹۵)؛ چرخس‌ها و ورود آنها به دولت صفویه، مجله رهیافت تاریخی (فصلنامه علمی تخصصی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره پانزدهم، صص ۹۷-۱۲۰. ##
- گیوتاشویلی، جمشید. (بی‌تا)؛ «نکاتی چند درباره علل به قتل رسیدن امام قلی خان»، امام قلی خان سردار اسطوره ای و... شماره ۴، صص ۸۴-۸۰. ##
- لوفت، پاول، (۱۳۸۰)؛ ایران در عهد شاه عباس دوم. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: مرکز و چاپ انتشارات وزارت امور خارجه. ##
- متی، رودی، (۱۳۹۳)؛ ایران در بحران؛ زوال صفویه و سقوط اصفهان، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر مرکز. ##
- مدرسی طباطبائی، سیدحسین، (۱۳۳۵)؛ تربت پاکان، جلد دوم، قم: چاپخانه مهر شهریور. ##
- منجم، ملاجلال الدین، (۱۳۶۶)؛ تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف... وحیدنیا، تهران: انتشارات وحید. ##
- منشی قمی، قاضی میراحمد، (۱۳۵۲)؛ گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ##
- مهریار، محمد. (۱۳۷۶)؛ معرفی مجموعه تاریخی مسجد ساروتقی و مدرسه ثقه الاسلام و رقبات آن شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۶۸-۷۷. ##
- میرزا سمیعا، (۱۳۶۸)؛ تذکره الملوک به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی و سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر. ##

- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۲)؛ زندگانی دو سردار نامی صفویان، مجله جغرافیا و برنامه ریزی، نشریه دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۲، صص ۱۵۶-۱۳۱. ##
- ناشناس، (۱۳۷۴)؛ سفرنامه منظوم حج، ویراستار رسول جعفریان، قم. بی نا.
- نصیری، میرزاعلی نقی، (۱۳۷۱)؛ القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه به تصحیح دکتر یوسف رحیم لو، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی. ##
- نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، (۱۳۹۱)؛ تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: انتشارات سمت. ##
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۰)؛ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران شاه صفی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ##
- نیومن، اندروچی، (۱۳۹۳)؛ ایران عصر صفوی (نوزایی امپراتوری ایران)، ترجمه: بهزاد کریمی، تهران، نشر افکار ##
- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۸۳)؛ تاریخ جهان آرای عباسی، به تصحیح سیدسعید میرمحمد صادق زیر نظر دکتر احسان اشراقی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ##
- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۳۹)؛ «روضه‌الصفای ناصری» جلد ۸، بی جا، انتشارات کتاب فروشی‌های مرکزی خیام و پیروز. ##
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۵۵)؛ تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم)، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر. ##
- هینتس، والتر، (۱۳۶۲)؛ تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی. ##
- یوسف جمالی، محمدکریم، (۱۳۸۵)؛ تاریخ تحولات ایران عصر صفوی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. ##